

## پاسخ مناسب در وقت مناسب

### آقای ظریف

امیر فیض- حقوقدان

پس از اظهارات آقای جان کری وزیر خارجه آمریکا نسبت به توافق نامه ۵+۱ و عدم وجود حق غنی سازی اورانیوم برای ایران و پیامد آن، تحریم ۱۷ شرکتی که در فعالیت های هسته ای ایران دخالت داشتند، بطور طبیعی ایرانیان در انتظار بودند که وزیر خارجه شان، چه پاسخی به اظهارات وزیر خارجه ایکه کشورش هیچ غلطی نمیتواند بکند خواهد داد.

انتظار ایرانیان چندان طول نکشید که وزیر خارجه کشورشان اظهارات بسیار پر معنا و اثر گذار بر موافقتنامه را بایک جمله پاسخ داد و آن جمله این است:

#### < پاسخ مناسب در وقت مناسب >

شاید کسانی ندانند که پاسخ آقای ظریف به وزیر خارجه آمریکا در میان لات های قدیم ویکه بزن ها امری متداول بوده و هنگامیکه یک لات مدعی گردن کلفتی از یک همتای خودش سیلی آبداری میخورد، طرف سیلی خورده که جرات مقابله نداشت همین اظهار آقای ظریف را در عبارت معمول <به موقع حسابش را امیر رسم> تحویل کسانی میداد که منتظر عکس العمل سیلی خورده بودند.

آقای ظریف بد قولی نکرد و در اولین وقت مناسب بوسیله تلفن پاسخ مناسب!! به وزیر خارجه آمریکا داد اما آن پاسخ چه بود؟ محرمانه ماند.

مگر نه اینکه اظهارات وزیر خارجه آمریکا محرمانه و خصوصی بود؟ نه، ولی وزیر خارجه آمریکا، مردم و کشورش را نمایندگی میکند و وزیر خارجه جمهوری اسلامی شخص سید علی خامنه ای را، آیا گفتگوی آقای ظریف با وزیر خارجه آمریکا هم برای خامنه ای محرمانه است؟

پس مردم در جمهوری اسلامی چی هستند؟ پاسخ این پرسش را فلسفه تشیع بروشنی بیان کرده و شیخ منتظری هم آنرا باتشریح فراموش نشدنی اینطور بیان کرده:

«در جامعه تشیع مراجع تقلید اساتید و علما و طلاب شاگردان آنها و بقیه مردم کف هستند»

آیا شما دیده اید که کسی به کف صابون گزارش بدهد؟

بنابراین ظریف <متن موافقتنامه بوسیله آمریکائی ها تنظیم و حتی با نمایندگان کشورهای ۵+۱ هم تبادل افکار نکردند و ما هم آنرا امضا کردیم> (جواد جان کریمی نماینده مجلس)

ازچنین وزیر خارجه ای که بایک کلمه نوشته کیهان تهران قولنج و کمردرد ظاهری میگیرد و آنقدر به آمریکائی ها فرمانبر و معتمد است که نوشته آنها را نخوانده امضا میکند و اساسا قبحی برای آن قائل نیست که آنرا هم در نشست قم عنوان کرده، چه انتظاری هست که به اظهارات وزیر خارجه آمریکا جواب بدهد!

آخر کسی که در تنظیم موافقتنامه مشارکت نداشته و هرچه آمریکا نوشته ایشان هم امضا کرده چه میداند که موافقتنامه چیست تا بخیال خودش جواب وزیر خارجه آمریکا بدهد.

**حاشیه** - کار حقوقی و آثار مترتبه بر آن فوری و اثر گذار است بدون جواب گذاردن ادعا، ایجاد رسوب باور و حق میکند.

**در مواقعی عدم رعایت فوریت، سبب اسقاط حق میشود.** اینطوری نیست که آقای ظریف هر وقت دلش خواست و بنظرشان زمان مناسب بود به مقابله با ادعاهای وزیر خارجه آمریکا برود.

آیا در بین ۷۰ میلیون ایرانی کسی نبود که تا این حد به الفبای سیاست و کار حقوقی آگاه باشد که این بچه ننه مامان جونی رامامور این مهم کرده اند یا گرفتاری درد کمردرد و یا گرفتاری مامان چونشان. گرفتاری سیاسی مملکت هم باشد بوقت مناسب (پایان حاشیه)

وقتی موافقتنامه به تصویب مجلس نرسیده معنایش این است که مجلس (مردم و نمایندگان مردم) داخل آدم نیست، کاره ای نیست که درباره تعهدات کشور در آن موافقتنامه بحث و گفتگو کند. در تحریر قبلی موضع مجلس شورای اسلامی در رابطه با موافقتنامه مطرح شد اکنون اضافه مینماید که با موافقت هیئت تشخیص مصلحت، مخالفت احتمالی مجلس هم بی تاثیر است (تفسیر شورای نگهبان).

اگر ظریف حاضر نشد که مردم رادرجریان کامل موافقت نامه قرار بدهد و آنرا بوقت گل نی موکول کرد، اما دیوید کوهن آمریکائی معاون خزانه داری آمریکا در مقاله ای از نظرافتصادی و بازرگانی موافقتنامه را تشریح کرده و نشان داده که مدت ۶ ماهی که در موافقتنامه ذکر شده چه سرابی است برای جمهوری اسلامی. در مثال میتوان آن مدت ۶ ماه رابه لوله ای تشبیه کرد که ته آن بسته است و کسی که دارد خفه میشود خیال میکند از طریق آن لوله میتواند تنفس کند.

دیوید کوهن در مقاله اش نتیجه گرفته، **«ایران راباتحریم ها در باتلاق فرو خواهیم برد»** بدرستی که تفسیر درستی از موافقتنامه است.

و آن برگر، آمریکائی هم تفسیری دارد که تفسیر کوهن را کاملا جامیاندازد گفته است:

«جمهوری اسلامی ریشه در باورهای دینی مردم دارد واز آنجا که جدا کردن این باورها از مردم امکان پذیر نیست و یابسختی ممکن است، باید ملت ایران بعنوان یک ملت از میان برداشته شود. در صورتی که تحریم های ما با قاطعیت انجام شود موجودیت ایران بعنوان یک ملت منهدم و خشک میشود و دنیای مدرن از سر جمهوری اسلامی خلاص میشود»

**تأیید اظهارات وزیر خارجه آمریکا**

هم امروز یعنی سه روز بعد از اظهارات وزیر خارجه آمریکا > آقای ولایتی مشاور امور بین الملل رهبر جمهوری اسلامی معتقد است که شرایط برای توافق هسته ای ایران و غرب فراهم است و سیاست جمهوری اسلامی ادامه مذاکرات و پایبندی به توافق موجود است < (خبرگزاری بی - بی - سی)

از آنجا که مذاکرات آقای ظریف و وزیر خارجه آمریکا به اطلاع خامنه ای رسیده و در حقیقت آنچه که آقای ولایتی اظهار کرده، عکس العمل اطاعت آمیز جمهوری اسلامی به خواستها و اظهارات وزیر خارجه آمریکاست.

البته معلوم نیست که چه سخنانی بین ظریف و وزیر خارجه آمریکا رد و بدل شده ولی میتوان حدس زد که ظریف به وزیر خارجه آمریکا گفته (بابا قرار بود هوای مرا کمی داشته باشی و..... وزیر خارجه آمریکا هم گفته منافع ملی شوخی بردار نیست فضولی هم موقوف)

اساسا چرا باید منتظر پاسخ ظریف به وزیر خارجه آمریکا بود؟ موافقت نامه و امضا و دلشادی جمهوری اسلامی و اعلام پایبندی به توافق از سوی خامنه ای همان است که وزیر خارجه آمریکا گفته و نتیجه اقتصادی و بازرگانی آنرا هم معاون خزانه داری آمریکا تشریح کرده است.

روز ۲۶ آذرماه لاریجانی رئیس قوه قضائیه گفته >باتفسیر آمریکا هیچ عاقلی توافقنامه ژنو را امضا نمیکند< (کیهان تهران)

یعنی ظریف و عراقچی که آنرا امضا کرده اند دیوانه اند؛ آیا ممکن است یک دیوانه به وزات خارجه کشوری منصوب شود.<sup>۱</sup>

**کاره ریز نیست خرمن کوفتن**

خیلی مرد میخواد که کسی پس از امضای سندی اعتراف به اشتباه و ندانمکاری کند. این چنین مردانگی در ظریف و همکارانش نیست، عباس عراقچی که سرهینت ایرانی در توافقنامه ژنو بوده به آلمان رفته تا شاید درباره ندانمکاری های خودش از موسسات غیردولتی آلمان کمک بگیرد.

**نوشدارو که پس از مرگ به سهراب دهند عقل داند که بدان زنده نگردد سهراب**

اسارت نامه را بنام موافقت نامه امضا کرده اند، چشم بسته در مسیری قرار گرفته اند که صدها دام در آن جریان تعبیه شده است، نخوانده به امضای آن افتخار کرده اند، تجلیل شده اند، ولی ورهبرشان قول تبعیت آنرا به جهانیان بادلشادی داده و آنرا پیروزی قهرمانانه خوانده است. حال میگویند >هیچ عاقلی آن موافقت نامه را امضا نمیکند<

<sup>۱</sup> - اگر بپذیریم که تایید علی اکبر ولایتی تضمین و تایید علی خامنه ای است که هست، چرا که در بازگشت روحانی پس از گفتگوی تلفنی و بازگشت هییت مذاکره کننده ولایتی با استقبال گرم از آنان تجلیل کرد، بنابراین خطاب دیوانه شامل حال «آقای رهبر» هم می شود. ح-ک

**سابقه تطبیقی در قرارداد ۱۹۲۱**

این تحریر خواننده محترم رادرجریانی قرار خواهد داد که با مقایسه آن، به اهمیت علاقه مسئولین کشور ایران در ۹۱ سال قبل، وبی تفاوتی و سربهوانی مردان امروز حکومت جمهوری اسلامی براحتی مستولی خواهد شد.

در سال ۱۳۰۰ شمسی برابر با ۱۹۲۱ قراردادی بین ایران و شوروی تنظیم شد که بحث آن به این تحریر مربوط نمیشود. قرارداد به مجلس آمد وکلای مجلس نسبت به مواد ۵ و ۶ قرارداد اعتراضاتی داشتند و آنرا مغایر با اصل حاکمیت ایران میدانستند، لذا نامه ای از سوی مجلس به وزارت خارجه نوشته شد که درباب اصلاح مواد مزبور اقدام کند؛ وزارت خارجه نیز به تبعیت از مجلس نامه ای در راستای خواست مجلس که اصلاح مواد مزبور بود به وزارت خارجه شوروی نوشت، در آن نامه به چندین مورد علاوه بر مواد ۵ و ۶ اشاره شده بود که مجلس توضیح و رفع ابهام را لازم دانسته بود (علاقمندان به تاریخ ۲۰ ساله رجوع فرمایند).

وزارت خارجه شوروی نامه موافقت آمیزی رابعنوان ضمیمه قرارداد به وزارت خارجه ایران نوشت در توضیحات آن نامه عبارتی آمده بود که عینا به اینجا آورده میشود.

**> دولت دوستدار بدون تزلزل بطوری که بدوا هم اظهار مینمود بانهایت احساسات صادقانه نسبت به ملت ایران هیچوقت سد غیر لازمی رادر طریق تعالی وترقی ایران در نظر نداشته و.....<**

مجلس شورای ملی ایران به نامه دولت شوروی قانع نشد و نسبت به واژه **<غیر لازم>** ایراد جدی گرفته شد، و آنرا وسیله سوء استفاده احتمالی دولت شوروی دانستند. که بنا بر حکایت تاریخ وزیر مختار روسیه شخصا واژه غیر لازم را حذف نمود. (همان تاریخ صفحه ۵۶۴)

**اکنون موافقتنامه ۵+۱ ده ها واژه های نامفهوم وقابل سوء استفاده علیه ایران وحاکمیت ملی ایران دارد.**

**نه تنها اعتراضی از جانب جمهوری اسلامی ایران نیست بلکه اساسا موافقتنامه برای تصویب به مجلس هم بی نیاز ساخته شده.**

در ۹۱ سال قبل در ایران مانند امروز حقوقدان بسیار نبود، ولی مجلس استقلال داشت، آدم فهمیده و وطن پرست داشت ولی امروز حقوقدان دارد ولی مجلس مستقل و وطنپرست ندارد.

انسان واقعا حیران میماند، چگونه یک کشور مدعی اسلامی بودن، به ترک، احساس و علائق کشوری که سابقه دشمنی با ایران داشته و اکنون هم دارد احترام و باور و تسلیم میشود، که جمهوری اسلامی داده است.

**فرب شوروی در سال ۱۳۲۴ و فرب ایران امروز**

ایران بارها در جریان مسائل بین المللی دچار مشکلات سنگین و خطرناک شده است، ولی هر بار به همت شاهنشاه و مردان کشور آن مشکلات در حد معقولی حل و فصل شده است، در جریان درخواست شوروی برای نفت شمال ایران و حمایت از فرقه دمکرات آنهم در حالیکه شمال کشور در اختیار قوای ارتش شوروی بود، شاهنشاه ایران و قوام و حسین علا بایک سیاست معقول و میهن پرستانه مشکلات ایران راحل و فصل کردند، بدون اینکه امتیازی هم به دولت شوروی داده شود، فرقه هم متلاشی و ارتش شوروی هم ایران را تخلیه کرد. جریان این سیاستمداری پاک و میهن پرستانه به آنجا کشید که روزنامه های خارجی نوشتند: «ایران سر شوروی کلاه گذاشت»

آیا اوضاع و کشمکش سیاسی سالهای ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۴ مهم بود و یا مسئله انرژی اتمی ایران در این سالها، که نتیجه توافقنامه با ۱+۵ نه کلاه رفتن سر ایران، بلکه به اسارت کامل ایران منتج شده است.